

گفت‌وگو با محمد محجوب
مسئول راه‌اندازی بازارآب قزوین

نحوه اجرای بازار آب و الزامات آن

■ مصاحبه‌کننده: مریم حسنی سعدی

در سال‌های اخیر صحبت‌های متعددی در مورد ایده راه‌اندازی بازار آب در ایران مطرح شده‌است. البته گفته می‌شود در کنار نحوه اجرای این ایده باید شرایط و الزامات آن را نیز در نظر داشت. از این رو، سراغ محمد محجوب مدیر سازمان محیط زیست و کیفیت منابع آبی شرکت آب منطقه‌ای استان قزوین رفتیم. وی مشاور جوان مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای و عضو نخبگان وزارت نیرو است. همچنین، محجوب در حال حاضر مسئول راه‌اندازی بازار آب در استان قزوین است. قزوین پس از استان خراسان رضوی دومین استانی است که طرح بازار آب در آن عملیاتی می‌شود. در ادامه، جزئیات نحوه اجرای بازار آب، شرایط و الزامات آن را می‌خوانیم.

دکتر محمد محجوب
مسئول راه‌اندازی بازار آب قزوین



؟ آقای دکتر محجوب! بازار آب در قزوین به چه شکل طراحی شده و الان در چه وضعیتی است؟

شیوه نامه‌ها و شرایط اجرای بازار آب قزوین نوشته و نهایی شده‌است، اما هنوز به‌صورت رسمی بازار آب قزوین افتتاح و وارد فاز عملیاتی نشده‌است.

مجموعه روش‌هایی که ما برای شیوه‌نامه‌های بازار آب قزوین در نظر گرفته‌ایم یک راهبرد اصلی داشته‌است و آن اینکه معامله بُردبُرد باشد، چه برای کسانی که آب را به فروش می‌رسانند و چه بهره‌بردارانی که آب را مصرف می‌کنند و چه برای منابع آب زیرزمینی؛ یعنی منافع همه افراد مختلف را در نظر گرفته‌ایم.

ما معتقد هستیم که بخش بزرگی از آبی که به‌ویژه در بخش کشاورزی استفاده می‌شود قابلیت صرفه‌جویی در آن وجوددارد، این صرفه‌جویی با استفاده از شیوه‌های آبیاری نوین و استفاده از نهاده‌ها، الگوی کشت مناسب و سایر مسائل حوزه کشاورزی می‌تواند صورت پذیرد. اما اگر واقع‌بین باشیم، کشاورز هیچ انگیزهٔ منطقی برای صرفه‌جویی ندارد. وقتی کشاورز صرفه‌جویی کند و آب مازاد به‌دست آورد، برایش حاصلی ندارد؛ چون نه به او اجازه افزایش سطح زیرکشت داده‌می‌شود، نه آب صرفه‌جویی شده را به شارژ سال بعد اضافه می‌کنیم، نه به او نهاده‌های کشاورزی سوبسیددار مثل سم و کود می‌دهیم و نه اجازه می‌دهیم که این آب را کشاورز دیگری مصرف کند! این موضوع در خصوص کشاورزان معیشتی مشهودتر است و در حقیقت اینها هیچ نوع انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی ندارند. ما این را به‌عنوان یک شکاف بزرگ تشخیص دادیم و از این‌رو بازار آبی را تعریف کردیم که هر بهره‌برداری با هر شیوه‌ای، از تبدیل جوی خاکی به لوله و اصلاح مدار آبیاری گرفته تا استفاده از الگوی کشتِ اصلاح‌شدهٔ کم آب‌بَر، چنانچه آبی را در کارت شارژش اضافه بیاورد، مجاز است آب حاصل از صرفه‌جویی را در بازار آب ارائه نماید تا بهره‌بردار دیگر در جایی دیگر آن را استفاده کند. چون این آب حاصل از صرفه‌جویی است، فشاری بر سفره نمی‌آورد. البته یک شرط مهم این‌است که تولید محصولات کشاورزی و امنیت غذایی تحت‌شعاع قرار نگیرد. از این‌رو، اعلام کردیم کشاورزانی می‌توانند در این بازار وارد شوند و آب حاصل از صرفه‌جویی را در بازار بیاورند که تعهدات خود در حوزه کشاورزی را عملیاتی کرده‌باشند. مثلاً اگر کشاورزی به‌طور میانگین در پنج سال گذشته در زمین خود ده تن گندم تولیدکرده‌است و الان هم اثبات کرد که همان ده تن را با شیوه‌های نوین آبیاری تولید کرده و آبی اضافه آورده‌است، می‌تواند این آب را وارد بازار کند و این حق او است و باید انتفاع این کار به او برسد. بر این اساس، کشاورز نمی‌تواند کشاورزی خود را تعطیل کند و تبدیل به آب فروش شود. این لایه اول بازار است که از آن به‌عنوان بازار بهره‌وری یاد می‌کنیم.

؟ پیش‌نیازهای ورود به این بازار چه هستند؟

در بازار بهره‌وری باید شفافیت داشته باشیم. قرار نیست فشار سنگینی به سفره‌های آب زیرزمینی واردکنیم. این شفافیت از ابزارهای سنجش به‌وجود می‌آید؛ یعنی کسی می‌تواند وارد بازار آب شود که بر اساس پروتکل‌هایی که در شرکت آب منطقه‌ای قزوین نوشته‌شده، چاه‌هایش مجهز به ابزارهای هوشمند اندازه‌گیری باشد؛ یعنی کنتور باید تمام شرایطی را که لازم است داشته‌باشد که نشان دهد که تخلفی انجام نمی‌شود. درواقع، پیش نیاز اصلی ورود به این بازار داشتن کنتور هوشمند مجهز به قطع‌کن و دارای گواهی‌نامه کالیبراسیون است تا دقیقاً با کارت شارژ، میزان مصرف مشخص شود. البته لازم است در کنار کنتور هوشمند به‌عنوان یک ابزار سنجش، شیوه‌های دیگر راستی آزمایی را هم انجام دهیم که این موارد نیز در شیوه‌نامه پیش‌بینی شده‌است.

؟ لایه دوم از بازار به چه شکل است؟

لایه دومی که برای بازار نوشته‌شده فعلاً از آن به‌عنوان بازار ثانویه نام می‌بریم، بازارِ جابه‌جاییِ آبِ کشاورزی برای کشاورزی است. شیوه‌نامه آن را به کمک مشاورین نوشته‌ایم و پیشنهاد آن به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران داده‌شده‌است. قراراست به‌صورت پایلوت و محدود مجوزهای این بازار را نیز به آبخوان قزوین بدهند که هنوز در تهران در حال بررسی و کارشناسی است و هنوز مجوز عملیاتی‌شدن آن نهایی نشده‌است. در این بازار اگر کشاورزی زمینش خاک حاصلخیزی ندارد، یا تجهیزات ندارد و یا دانش و تکنولوژی برای بهره‌وری بهتر را ندارد، اما کشاورز دیگری می‌تواند با همین آب محصول بیشتری برداشت کند، در صورت توافق طرفین، آنها می‌توانند تا سقف معینی آب را بین یکدیگر جابه‌جا کنند. در حقیقت، با همان آب محصول بیشتری تولید شود و ارزش افزوده بیشتری به‌ازای هر مترمکعب آب خارج شده از سفره ایجاد گردد. ما درخواست کردیم که این مجوز را بدهند تا در سال اول کشاورزها بتوانند مقدار ۴۰ درصد از سقف آب شارژشان را بین یکدیگر مبادله کنند و هر کشاورزی که می‌تواند استفاده بهینه‌ای از آب داشته‌باشد این آب را مصرف کند. البته کشاورز اول و دوم باید ابزارهای سنجش و اندازه‌گیری مورد تأیید را داشته‌باشند. از جهاد کشاورزی هم خواسته‌شده که پروتکل‌های مورد نیاز را تهیه کند تا ویژگی لازم برای کشاورز اول و دوم در انتقال آب مشخص شود؛ مثلاً کشاورزی که دارد گندم تولید می‌کند و بگوید من ۴۰ درصد آبم را مصرف نمی‌کنم و آب را به کشاورز دوم می‌دهم و کشاورز دوم به‌جای گندم، مثلاً فلفل دلمه ای تولید کند، حتی با راندمان اقتصادی بیشتر، این کار ممکن است به‌صلاح کشور نباشد در شرایط امروز کشور که طبیعتاً تولید محصولات استراتژیک از اهمیت خاصی برخوردار است، ما نمی‌توانیم تولید گندم، علوفه و دانه‌های روغنی را وارد لایه دوم بازار کنیم. از همین رو، به جهاد کشاورزی گفته شد که در این زمینه در کنار شرکت آب منطقه‌ای باشد تا انتقال آب کشاورزی در راستای پروتکل‌هایی که جهاد کشاورزی می‌گذارد اتفاق بیافتد؛ مثلاً الگوی خاصی پیشنهاد دهد که با سیاست‌های کشاورزی در کشور همخوان باشد. این لایه دوم بازار محلی آب را به تهران ارسال کرده‌ایم، ولی هنوز جوابی داده‌نشده‌است. قاعدتاً تا مجوز نگرفته‌باشیم آن را عملیاتی نخواهیم کرد. البته شیوه‌نامه‌ها و پروتکل‌ها نوشته شده و الگوریتم اتفاقی که باید بیافتد را هم نوشته‌ایم.

؟ نقش شرکت آب منطقه‌ای در این بازار چگونه تعریف شده‌است؟

نکته‌ای که باید عرض شود این است که در هر دو بازار- بازار اول که بازار بهره‌وری است و بازار دوم که بازار انتقال آب کشاورزی به کشاورزی است- از هر معامله و جابه‌جایی که انجام شود درصدی به‌عنوان ذخیره آب در آبخوان از هر معامله کسر می‌شود.

محمد محجوب، مسئول راه‌اندازی بازار آب قزوین:

هیچ‌کس مالک آب نیست. برای کسی که پروانه صادر می‌شود ما نمی‌نویسیم پروانه مالکیت، بلکه پروانه بهره‌برداری نوشته می‌شود. از ابتدا در کشور به همین شکل بوده‌است؛ چرا؟ چون آب جزو انفال است و در اختیار حاکم اسلامی است و حاکم تفویض اختیار به دولت کرده‌است و دولت در جهت مصالح عمومی از آن استفاده می‌کند.

پیشنهاد کرده‌ایم که در سال اول از هر معامله‌ای که صورت می‌گیرد میزان ده درصد از حجم آب معامله‌شده برای سفره آب زیرزمینی ذخیره‌شود؛ یعنی اگر من هزار مترمکعب آب خریده‌باشم ده درصد از آن کم می‌شود و ۹۰۰ متر مکعب آب مصرف می‌شود و آن ده درصد به‌عنوان ذخیره سفره درنظرگرفته‌می‌شود. عرض کردم که این معامله بُرد-بُرد است، هم بهره‌بردارانی که دارند آب را خرید و فروش می‌کنند و هم همه مردم که حق انتفاع از سفره عمومی را دارند بُردشان این می‌تواند باشد که این سفره حفظ شود. در پروتکل‌هایی که نوشته شده‌است، شرکت آب منطقه‌ای هیچ نفع مالی مستقیمی بین این انتقالی که انجام می‌شود ندارد. الان یک نرم افزار از طریق مشاور، طراحی شده‌است که این نقل و انتقالات همانند آنچه در بورس است و فروشنده و خریدار می‌توانند آنجا با هم تفاهم کنند، اجرایی گردد. کارگزاری که دارد این شرایط را برای اینها فراهم می‌کند از پولی که بین خریدار و فروشنده مبادله می‌شود، درصدی را به‌عنوان حق‌العملِ کارگزاری دریافت‌خواهدکرد. حتی محل این کارگزاری را تعمداً در خارج از شرکت آب منطقه‌ای در نظر گرفته‌ایم. در واقع نفعی که شرکت آب منطقه‌ای از این معامله می‌برد، نفعی است که سفره آب زیرزمینی می‌برد و در هر معامله‌ای ده درصد در سفره ذخیره می‌شود. به‌نظرمن، این بزرگ‌ترین نفعی است که دولت می‌برد. در این معامله‌ای که ما پیشنهاد داده‌ایم، همهٔ افراد انتفاع اقتصادی می‌برند و هدف آب منطقه‌ای که نگهداری و حفظ آبخوان است نیز تأمین می‌شود. ما حتی موضوع تفاوت کیفیت آب در نقاط خرید و فروش را هم تحت عنوان ماتریس‌های کیفیت در ۱۰ طبقه دیده‌ایم! یعنی اینگونه نیست که آب بی‌کیفیتی در نقطه‌ای از سفره فروخته شود و در نقطه‌ای دیگر همان حجم آب با کیفیت برداشت شود! ما ضرایب کاهنده‌ای را فرموله کرده‌ایم که بتوانیم آب با کیفیت را برای آیندگان در سفره آب زیرزمینی ذخیره کنیم. این خود بزرگ‌ترین نفع برای شرکت‌های آب منطقه‌ای به نمایندگی از دولت است.

آیا وزات نیرو بازار اول یعنی بازار بهره‌وری را تأیید و برای آن مجوز صادر کرده‌است؟

در خصوص بازار بهره‌وری تقریباً می‌توان گفت با مذاکراتی که داشته‌ایم، تأییدات اولیه را دریافت کرده‌ایم. مسئولان مربوطه در وزارت نیرو با مفهوم این بازار مشکلی ندارند و این بازار را پذیرفته‌اند. اما روی بازار دوم با توجه به مسائل مختلفی که با آن روبه‌رو هستیم، هنوز مجوزی صادر نشده‌است. عملاً در بازار دوم با بندهایی از برخی بخشنامه‌ها تناقضاتی وجود دارد. البته اگر بخواهند مجوز صادر شود باید بپذیرند که در یک دشتی از کشور به‌صورت پایلوت مجوزی موقت صادر شود و این طرح اجرا شود و ما اثرات آن را ببینیم، بعد برای بقیه کشور زمینه‌های قانونی آن فراهم شود. باید عرض کنم در ابتدا وقتی با تیم‌های مختلف پروتکل‌ها را می‌نوشتیم، هدف همه ما این بود که یک بارش فکری و استفاده از تجارب مختلف اتفاق بیفتد. بر همین اساس تصمیم گرفتیم که ذهن‌ها را درگیر قوانین و بخش‌نامه‌ها نکنیم و آنچه را که فکر می‌کنیم درست است تدوین نماییم و الگوریتم اجرایی را نهایی کنیم. آنچه ما فکر می‌کنیم این است که وجود این بازار می‌تواند مفید باشد و می‌تواند یک بازی بُرد-بُرد برای همه رقم بزند. آن کشاورزی که خاک خوب و یا دانش کافی ندارد، به‌هر حال دارد آب را از زمین بیرون می‌آورد و اگر قرار است که این آب صرف محصولی با راندمان کمتر شود، بهتر است شرایطی را مهیا کنیم که این آب انتقال پیدا کند و بهره‌وری افزایش و محصول بیشتری تولید شود. قاعدتاً این کار به نفع کشور و اقتصاد مردم خواهد بود. فکر می‌کنم پیشنهاد ما برای بازار دوم منطقی است و امیدوارم در تهران به این پیشنهاد به دید مساعدت نگاه کنند و به‌صورت پایلوت برای بازار دوم به ما مجوز بدهند.

این بازار چه سطح و منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد؟

این بازار که در استان قزوین بعد از چندین ماه رایزنی با شرکت مادر تخصصی منابع آب پیشنهاد داده‌شد در محدوده جغرافیای دشت قزوین و آبخوان قزوین است. ما توانستیم رضایت این را بگیریم که دشت قزوین را به‌عنوان دشت پایلوت بازار آب معرفی کنند و در آبان سال جاری مجوز پایلوت شدن این دشت گرفته‌شد. این بازار را برای دشت جغرافیای قزوین اجرا خواهیم کرد که یکی از بزرگ‌ترین دشت‌های کشور است و انشاءالله پس از اجرا، نتایج را بررسی خواهیم‌کرد و اگر از جنبه‌های مختلف رضایت حاصل شد نتایج خروجی را در اختیار کشور قرار خواهیم‌داد تا برای سایر استان‌ها نیز اجرایی شود.

با توجه به اینکه آبخوان قزوین وسعت زیادی دارد جابه‌جایی آب در معاملات چگونه است؟ چه تمهیداتی در بحث جابه‌جایی با لوله‌گذاری اندیشیده شده است؟

اولاً آبخوان قزوین یک آبخوان یک تکه است و از یک دشت به یک دشت دیگر نیست و از سفره‌ای به سفره دیگر هم نیست. درواقع، در بازاری که ما تعریف کرده‌ایم اصلاً بحث انتقال آب منتفی دانسته‌شده‌است. چون این روش انتقال به‌شدت هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، به‌خصوص که بحث لوله‌گذاری و پمپاژ و تملک زمین مطرح است. حتی این شکل انتقال آب معضلات اجتماعی هم به‌دنبال خواهدداشت. درواقع، دیدیم عملیاتی شدن بدین شکل غیرممکن است. در اینجا انتقال سهم آب را داریم و وقتی شما آب را از کشاورز می‌خرید درواقع دارید شارژ آب را افزایش می‌دهید. آب را از همان چاهی که خود خریدار منصوبات دارد و یا نزدیک‌ترین چاهی که خریدار توافق می‌کند که از این چاه آب برداشت کند شارژ کارت افزایش پیدا می‌کند. در واقع، مبادله بین سهم آب از طریق شارژ کارت است.

اصلی‌ترین موضوعی که در بازار باید شفاف باشد بحث مالکیت و وضعیت پروانه‌ها است. در بسیاری از استان‌ها شرکت‌های آب منطقه‌ای دبی پروانه‌ها را کاهش داده‌اند. آیا برای این تضییع حق در بازار آب تمهیداتی دیده‌شده‌است؟

اول از همه شما باید به یک درک حقوقی نسبت به واقعیت آب برسید. جملات شما دارای یک ایراد حقوقی بود. اول از همه هیچ‌کس مالک آب نیست. برای کسی که پروانه صادرمی‌شود ما نمی‌نویسیم پروانه مالکیت، بلکه پروانه بهره‌برداری نوشته می‌شود. از ابتدا در کشور به همین شکل بوده‌است؛ چرا؟ چون آب جزو انفال است و در اختیار حاکم اسلامی است و حاکم تفویض اختیار به دولت کرده‌است و دولت در جهت مصالح عمومی از آن استفاده می‌کند. شما وقتی پروانه می‌گیرید، صرفاً یک بهره‌بردار هستید و دولت به شما در حال حاضر حق برداشت این مقدار آب را داده‌است. شما مالکیت روی چاه، لوله و منصوبات دارید، اما آب از شما نیست و مالکیت برای آن معنا ندارد. این پروانه بهره‌برداری که از انفال برای شما صادر شده‌است. ۲۰ یا ۳۰ سال پیش شرایط به‌گونه‌ای بوده که دولت بر اساس محاسبات آن دوره به شما مجوز مقدار آبی داده، ولی الان شرایط تغییر کرده‌است؛ افزایش جمعیت، افزایش بهره‌برداری‌ها، اُفت آبخوان‌ها، بهبود دانش بهره‌برداری، ورود تجهیزات و تکنولوژی جدید و هزار مسئله دیگر که حاکم اسلامی می‌تواند در جهت انتفاع عمومی اقدام به اصلاح پروانه‌های بهره‌برداری که جزو انفال است کند؛ یعنی منِ دولت در گذشته ۴۰ لیتر آب به شما داده‌ام، ولی الان پروانه شما اصلاح و ۳۰ لیتر می‌شود. باید توجه داشت در حال حاضر علم و تکنولوژی تغییر کرده‌است و شما باید بتوانید با استفاده از شیوه‌های تکنولوژی جدید با این ۳۰ لیتر این کار را انجام دهید. در دشت قزوین اصلاح تمام پروانه‌های بهره‌برداری را بدون هیچ‌گونه اختلاف و تفاوت‌گذاری برای همه لازم دانسته‌ایم. وقتی پروانه اصلاح شد، کشاورز بر اساس پروانه اصلاح شده می‌آید داخل بازار، نه پروانه‌ای که آبدهی حقیقی ندارد. اگر ما پروانه‌های اصلاح نشده را وارد بازار می‌کردیم به این معنا بود که کشاورزان می‌آمدند آبی را که وجود خارجی ندارد در بازار عرضه می‌کردند و به‌شدت به سفره آب زیرزمینی فشار وارد می‌شد و از اهداف تعادل‌بخشی و پایداری سفره دور می‌شدیم. بنابراین، ما در قزوین در پروتکل‌ها این موضوع را قید کرده‌ایم که صرفاً پروانه‌های بهره‌برداری اصلاح شده وارد بازار آب شوند و در بازار آب چک بی‌محل نکشیم.

سخن پایانی

به‌هرروی بر کسی پوشیده نیست که وضعیت کنونی آب در کشور مناسب نیست! نظام‌های بهره‌برداری و بسیاری از تعاریفی که تاکنون به آنها پایبند بوده‌ایم نیازمند تغییر یا تعریف جدید هستند! بازار آب هم یکی از روش‌هایی است که باید مورد بررسی و امتحان قرارگیرد. بازار آب به این شکل برای اولین بار است که دارد استارت می‌خورد، بنابراین باید پذیرفت که طبیعی است هر پروتکل و شرایطی که می‌نویسید هر چند ماه یک بار بر اساس بازخوردهایی که گرفته می‌شود اصلاح شوند تا عملاً یک شیوه اجرایی متناسب با شرایط بومی و منطقه‌ای ایجاد گردد. از این‌رو، ما به همه اعلام کرده‌ایم که تمام شرایط و پروتکل‌هایی که برای بازار آب می‌نویسیم آیه نازله نیست و قابل تغییر است. در همین راستا، مقرر شد گروهی از دانشگاهیان، کارشناسان و تیم‌های نخبه تشکیل دهیم تا این بازار را در پنج محور: کشاورزی، آب، اقتصاد، محیط زیست و موضوعات اجتماعی مورد بررسی قراردهند؛ مثلاً آیا این بازار در بُعد اجتماعی تبعات منفی یا مثبت ایجاد می‌کند؟ آیا سیستم اجتماعی روستاها را دگرگون می‌کند؟ آیا ممکن است دچار اُفت موضعی آبخوان شویم؟ تغییرات اقتصادی ایجادشده این طرح چه تبعات مثبت و یا منفی را به‌دنبال خواهدداشت؟ و موضوعات دیگری از این دست. ما بر اساس گزارش‌هایی که به‌دست می‌آید شیوه نامه‌ها را باید مداوماً مورد اصلاح و بازنگری قراردهیم.